

گونه‌های پیشگیرانه سیاست‌های جنایی مشارکتی در جرائم اقتصادی

قائم نادری^۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۲۰

اصغر عباسی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۲۲

مهدی اسماعیلی^۳

چکیده

این مقاله با عنوان گونه‌های پیشگیرانه سیاست‌های جنایی مشارکتی در گستره جرائم اقتصادی باهدف بررسی جرائم اقتصادی و نقش مشارکتی مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان سیاست‌های جنایی مشارکتی صورت پذیرفته است. تهیه‌کنندگان قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری از اتخاذ سیاست جنایی مشارکتی در تهیه و تدوین این قوانین به دنبال تحقق اهداف هستند که در نهایت به حل مشکلات نظام عدالت کیفری کشور ختم شده است. اجرای موفقیت‌آمیز این قوانین و رسیدن به اهداف موردنظر سیاست جنایی مشارکتی مستلزم شناخت مبانی و آثار مشارکت مردم و همچنین بسترهای لازم برای اجرایی نمودن سیاست‌های مشارکتی مقنن در قوانین یادشده است به‌ویژه اینکه هر دو قانون نو پا بوده و این احتمال وجود دارد که اعمال سیاست‌های مشارکتی مقنن با چالش‌ها و محدودیت‌هایی مواجه است. که این امر می‌تواند ضرورت بررسی سیاست جنایی مشارکتی را در پرتو این قوانین توجیه نماید. نظام عدالت کیفری ایران نیز تحت تأثیر تحولات علوم جنایی، توسعه‌ی مفهوم حقوق بشر و با الهام از مبانی دینی و فقهی به مصادیق متعددی از سیاست جنایی مشارکتی در قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری اشاره نموده است. دستیابی به موفقیت در زمینه‌ی مشارکت مردمی در قلمرو عدالت کیفری منوط به پیش شرط‌هایی از جمله تحولات ساختاری در نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و شناخت و درک صحیح از مبانی و آثاری است که در اتخاذ سیاست جنایی مشارکتی وجود دارد. ضمناً با توجه به این نکته که زمان چندانی از تصویب این قوانین نمی‌گذرد، پیش‌بینی می‌شود که اجرای آن‌ها با محدودیت و چالش‌هایی همراه باشد. شناخت مصادیق سیاست جنایی مشارکتی و موانع پیش روی اجرای آن‌ها در قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری می‌تواند به تحقق اهداف نظام عدالت کیفری در کاهش نرخ جرائم و کنترل بزهکاری در جامعه بیانجامد.

واژگان کلیدی: پیشگیری از جرم، سیاست جنایی مشارکتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، جرائم اقتصادی،

^۱ دانشجوی دکتری گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد آیت‌املی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران)

^۲ استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران)

نویسنده مسئول

^۳ استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم شهر، ایران

روش پژوهش

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است که اطلاعات و داده‌های موردنیاز با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای با استفاده از ابزار فیش‌برداری، جمع‌آوری و دسته‌بندی می‌شوند. تحلیل مطالب و اطلاعات گردآوری شده در خصوص سیاست‌های جنایی مشارکتی در گستره جرائم اقتصادی با مراجعه به منابع اصلی و فرعی در دسترس فقهی و حقوقی در این خصوص و پیروی از روش فقها و حقوقدانان و مفسرین مبنای کار قرار خواهد گرفت.

پیشینه پژوهش

کوشا و دهقانی (۱۳۹۶) در تحقیق خود با عنوان "سیاست جنایی در جرائم اقتصادی" به بررسی سیاست‌های جنایی فعلی در خصوص مبارزه و پیشگیری از وقوع جرائم اقتصادی در کشور و نیز ارائه سیاست جنایی متناسب با وضعیت فعلی کشور پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که به دلیل اهمیت و تأثیر فوق‌العاده، دولت‌ها درصدد شناسایی علل و عوامل واقعی وقوع جرائم اقتصادی بوده تا با وضع مقرراتی در این زمینه، به حمایت از نظم و امنیت اقتصادی برخیزند. جرائم اقتصادی ارتباط تنگاتنگ با نوع سیاست جنایی حاکم و نوع آن دارد، چنانکه اشکال بزهکاری مرتبط با چرخه‌های مختلف نظام اقتصادی (تولید، توزیع، حمل و نقل و...) و فضای کسب‌وکار بر اساس نوع نظام سیاسی-اقتصادی حاکم تغییر پیدا می‌کند. شبعه علی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان "جایگاه سیاست جنایی مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران" به بررسی نقش مردم و نهادهای اجتماعی در مرحله تعقیب کیفری می‌پردازند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مداخله مردم در برآیند دادرسی کیفری، درعین حال که کمک چشمگیری به نظام کیفری در زمینه حل و فصل اختلافات کیفری می‌نماید، موجب پیشگیری اولیه و ثانویه از وقوع جرم می‌شود. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد علیرغم آن که ظرفیت مناسبی برای مشارکت گرفتن از نهادهای مردمی وجود با توجه به مبانی فقهی و حقوقی از جمله قانون اساسی دارد، اما هنوز باید اقدامات بسیاری در زمینه مردمی کردن دادرسی کیفری انجام شود

مقدمه

رشد روزافزون پدیده مجرمانه در دوره معاصر همراه با ظهور اشکال نوین و متنوع بزه و بزهکاری، عدم توفیق نظام عدالت کیفری رسمی را در به‌کارگیری ضمانت اجرای کیفری در زمینه مقابله با بزهکاری و اصلاح بزهکاران به دنبال داشته است و سیاست‌گذاران جنایی را بر لزوم افزایش و تقویت برنامه‌های سیاست جنایی بر پایه مشارکت هرچه بیشتر و فعال‌تر جامعه مدنی در فرآیند کیفری ترغیب نموده است. سیاست جنایی مشارکتی، جدیدترین گرایش سیاست جنایی است و به دلیل جوان و نوپا بودن، ابعاد و زوایای مختلف و کارایی نسبتاً مؤثر و گستره آن چندان شناخته‌شده

نیست و ابعاد نظری و جلوه‌های تحقق آن سیر تحول و تکامل خود را سپری می‌نماید. مشارکت ارکان جامعه مدنی، اعم از بزه‌کار، بزه دیده و شهروندان و جامعه مدنی، در فرآیند کیفری از اهمیت والایی برخوردار است زیرا اگر الگوی مشارکتی اعمال شود ارکان جامعه مدنی خلاقیت و تلاش خود را به کار می‌گیرد و در مسیر امنیت اجتماعی گام برمی‌دارند و از طرفی مشارکت امری موجه است که اراده اکثریت را بیان می‌کند و باعث مشروعیت نظام دادرسی می‌شود از سوی دیگر سیاست جنایی مشارکتی عامل بسیار مهمی است که در جهت حل مشکلات نظام عدالت کیفری در کشف حقیقت و تظلم خواهی نیز نقش اساسی دارد. سیاست جنایی مشارکتی یک شاخص اساسی و کارآمد در یک سیاست جنایی انسانی، عادلانه، مؤثر و پویا محسوب می‌شود و در واقع در صورت عدم توجه به این رویکرد، سیاست جنایی هر کشوری ناقص و ناموفق خواهد بود. نظام عدالت مشارکتی، با دادن سهم و نقش در مدیریت نظام کیفری به جامعه مدنی و مشارکت مردم در حل و فصل مسائل و مشکلات قضایی، اعتماد و اطمینان عمومی را نسبت به خود جلب می‌کند. سیاست جنایی مشارکتی در بطن خود اهداف والای انسانی را نیز نهفته دارد و از اصول و موازین حقوق بشر در جهت زمینه‌سازی مشارکت فعال و سازنده‌ی ارکان جامعه مدنی درسی است جنایی کمال استفاده را می‌کند.

سیاست جنایی مشارکتی که بیانگر نقش و جایگاه مردم و نهادهای اجتماعی و غیردولتی در فرایند کیفری است، به دو گونه کنشی (پیشگیرانه یا فعال) و واکنشی (پاسخگو یا منفعل) قابل تقسیم است. هدف اصلی سیاست جنایی مشارکتی کنشی یا اولیه، پیشگیری از ارتکاب جرم یا کاهش آن از طریق فرهنگ‌سازی در رفتارهای اجتماعی است که به آن پیشگیری اجتماعی نیز گفته می‌شود و بیانگر نقش مردم در کاهش ارتکاب جرم است. هدف سیاست جنایی مشارکتی واکنشی یا ثانویه، دخالت دادن مردم و نهادهای غیردولتی در فرایند کیفری، پس از وقوع جرم است. در این رویکرد، دیگر نهاد عدالت کیفری، تنها مرجع پاسخگویی و حل اختلاف نیست، بلکه از ظرفیت نهادهای مردمی و جامعه‌ی نیز در این زمینه استمداد می‌شود. با مشارکت مردم در فرایند کیفری، شاهد احترام به اراده مردم خواهیم بود که نتیجه آن افزایش اعتماد عمومی به دستگاه عدالت کیفری و کاهش ارتکاب جرم است.^۴

^۴ شیعه علی، علی، وحید زارع و مجتبی زارع، جایگاه سیاست جنایی مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران، ۱۳۹۴

در مهر و موم‌های اخیر جرائم اقتصادی رشد فزاینده و رو به رشدی داشته است. به گونه‌ای که اخبار جرائم اقتصادی حرفه‌ای، شفاف و سازمان‌دهی شده به گوش می‌رسد و این روزها جزو اخبار داغ و آشنا برای مردم شده است. بنابراین بازشناسی مفاسد اقتصادی نخستین گام در مسیر حرکت تلقی می‌شود. زیرا بدون تردید برخلاف جرائم دیگر، جرائم اقتصادی با تحولات تاکتیکی، تکنولوژیکی و فنی متحول می‌شود و با تغییرات جامعه معاصر تغییر جهت می‌دهد و با دور زدن موانع به طرق دیگر تجهیز و سامان‌دهی می‌شود. نکته حائز اهمیت در جرائم اقتصادی خسارت حاصله به مقادیر هنگفت و چشمگیری است که بر پیکره نظام اقتصادی به بار می‌آید.

مدت‌های مدیدی است که گرایش تازه‌ای در قبال اتخاذ نوعی سیاست جنایی مبتنی بر مشارکت هر چه وسیع‌تر و فعالانه‌تر ارکان جامعه مدنی علی‌الخصوص در زمینه اجرای سیاست جنایی به وجود آمده است که به آن سیاست جنایی مشارکتی گرفته می‌شود. این راهبرد جدید از سیاست جنایی بیانگر مشارکت مردم و نهادهای غیررسمی و غیردولتی مردم‌نهاد به صورت توأمان در امر پیشگیری از جرم و نیز در واکنش نسبت به جرائم و انحرافات اجتماعی است، که هدف اصلی آن تضمین حق امنیت جامعه با ترکیب هوشمندانه پیشگیری و واکنش و بارپذیری اجتماعی بزهکاران می‌باشد. فی‌الواقع می‌توان گفت که در سیاست جنایی مشارکتی، تأمین امنیت به‌عنوان برآیند مبارزه با پدیده‌های اجتماعی است که با مشارکت مردم تحقق می‌پذیرد.^۵ به بیان دیگر، قانون‌گذار و مجری قانون در سیاست جنایی مشارکتی با گذر از پاسخ‌های سرکوبگر صرف در مقابل جرم و بزه و هنجارشکنی اجتماعی، تمرکز خود را بر روی ارائه واکنش‌های توسعه محور، توجه هم‌زمان به پیشگیری در کنار مجازات‌های رسمی و واکنش‌های غیر کیفری معطوف می‌دارد تا در نهایت منجر به ایجاد و توسعه و ترویج سازوکارهای غیر کیفری بدون نیاز به توسل به فرایندهای قضایی، گردد.^۶

ادبیات نظری

^۵ جمشیدی، علیرضا، «پیشگیری از جرایم اقتصادی، از اقدام‌های قضایی تا اقدام‌های اجرایی»، ۱۳۸۸

^۶ همان: ۲۷۶

مبارزه با جرائم اقتصادی در اکثر کشورهای جهان به‌عنوان یک راهبرد و هدف راهبردی، مورد توجه دولتمردان قرار گرفته و به‌عنوان یک مطالب مردمی نیز در عموم کشورها مطرح است و این حساسیت باعث ورود سازمان‌های داخلی و بین‌المللی به فرآیند مبارزه با جرائم اقتصادی شده و در این راستا، کنوانسیون‌ها و معاهدات زیادی از جمله معاهده پالرمو، وین و غیره تشکیل و یک سری قوانین نیز تدوین شد تا سازمان‌های مبارزه کننده را یاری کند. در کشور ما نیز برخی قوانین و مقررات مانند مبارزه با جرائم اقتصادی در اکثر کشورهای جهان به‌عنوان یک راهبرد و هدف راهبردی، مورد توجه دولتمردان قرار گرفته و به‌عنوان یک مطالبه مردمی نیز در عموم کشورها مطرح است و این حساسیت باعث ورود سازمان‌های داخلی و بین‌المللی به فرآیند مبارزه با جرائم اقتصادی شده و در این راستا، کنوانسیون‌ها و معاهدات زیادی از جمله معاهده پالرمو، وین و غیره تشکیل و یک سری قوانین نیز تدوین شد تا سازمان‌های مبارزه کننده را یاری کند. در کشور ما نیز برخی قوانین و مقررات مانند قانون مبارزه با پول‌شویی و دستورالعمل مبارزه با فساد اداری و ارتقای سلامت نظام اداری و غیره تدوین و سازمان‌های متعددی از جمله وزارت اطلاعات، ناجا، سازمان بازرسی کل کشور و غیره به مبارزه با جرائم اقتصادی می‌پردازد

گفتار اول جرائم اقتصادی

الف: تعدد تعاریف

مفهوم جرم اقتصادی حداقل از یک سده و اندی پیش مورد بحث بوده است و ابتدایی‌ترین مشکل در خصوص جرائم اقتصادی تعریف آن است. در مورد این جرائم هیچ‌گونه تعریفی که به‌طور مشخص از اجماع یا حداقل اجماع برخوردار باشد، نتیجتاً تعریفی که مورد قبول همگان قرار گیرد وجود ندارد. علت اصلی فقدان تعریف مشخص از بزه اقتصادی، در وهله اول را باید مبهم بودن واژه اقتصاد دانست، در واقع خود اقتصاد واژه‌ای عام و کلی است و مشخص نیست که تعریف دقیق آن چیست و قلمرو آن کدام است.^۷

دلیل دیگر آن بین‌رشته‌ای بودن جرم اقتصادی است، به عبارتی این مفهوم هم اندیشمندان حقوقی هم اقتصادی و هم جرم‌شناسی را درگیر بحث نموده است. از طرفی دیگر در هر دوره بنا بر مقتضیات، مفهوم خاصی از آن برداشت شده است به‌عنوان نمونه سیاست و نظام اقتصادی همواره تأثیر به‌سزایی در جرم‌انگاری و مفهوم جرم اقتصادی داشته است، به این صورت که مفهوم جرم اقتصادی و مصادیق آن در دولت‌هایی که اقتصاد آن‌ها بر پایه اقتصاد آزاد و سرمایه‌گذاری شکل گرفته است و در کشورهایایی که دارای سیستم اقتصاد دولتی یا سوسیالیستی و یا اقتصاد بسته هستند متفاوت می‌باشند.

۷. - مهدوی پور، اعظم، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، ۱۳۹۰

علاوه بر نظام اقتصادی عامل مهم دیگری که در تبیین قلمرو جرائم اقتصادی و تعریف آن مؤثر است منابع اقتصادی می‌باشد، مثلاً در کشور ما قاچاق نفت و مشتقات آن جزو جرائم اقتصادی است چراکه اقتصاد کشور ما بر پایه صادرات منابع سوختی استوار می‌باشد ولی ممکن است در کشور دیگری به این صورت نباشد.

با توجه به این مطالب جرائم اقتصادی بر اساس معیارها و دیدگاه‌های متفاوتی تعریف شده است، ذیلاً به برخی از آنها می‌پردازیم.

ب: تعاریف موجود

همان‌طور که گفته شد، تعریف واحد و قابل قبولی برای جرائم اقتصادی ارائه نشده است، اما بررسی تعاریف موجود هرچند به صورت مختصر می‌تواند به درک مفهوم این جرم کمک نماید.

بر مبنای تعریفی رادیکال از جرم، جرائم اقتصادی مربوط به جرم‌های صاحبان قدرت شامل نقض قانون شرکت‌ها، تخریب محیط‌زیست، تدابیر ناکافی بهداشت و ایمنی در صنعت، آلودگی، نقض قانون کار، کلاهبرداری (تقلب) است و البته جرم‌های اقتصادی فاقدان قدرت، شامل کلاهبرداری‌های سطح پایین است و نقض مقررات بهزیستی است.^۸

مارک آنسل جرائم اقتصادی را شامل تقلبات مالیاتی، تقلبات قضایی، جرائم ارتكابی در مورد تأسیس شرکت‌های تجاری، اداری یا تصفیه شرکت‌ها و... می‌داند.^۹ درجایی دیگر آن دسته از جرائم که علیه اقتصاد کشور ارتکاب می‌یابند یا به این قصد انجام می‌شوند یا در عمل موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌شوند، جرائم اقتصادی محسوب شده است.

هم‌چنین گفته شده است که جرم اقتصادی جرمی نیست که ویژگی اقتصادی داشته باشد بلکه جرمی است که آثار و تبعات سوء اقتصادی داشته باشد.^{۱۰}

یکی از حقوقدانان نیز این تعریف را ارائه نموده است: حقوق کیفری اقتصادی شاخه‌ای از حقوق جزای اقتصادی است درباره ماهیت و طبع قضایی و عناصر اختصاصی فعالیت‌های اقتصادی متقلبانه و غیرمجاز اشخاص حقیقی و حقوقی مصرح در قانون که به قصد ثروت‌اندوزی و صدمه زدن به منافع عمومی و اخلال در نظام اقتصادی کشور صورت می‌گیرد.^{۱۱}

^۸ برای توضیح بیشتر، رک: راب وایت و فیونا هینز، جرم‌شناسی، بهار ۱۳۹۰، برگردان علی سلیمی، چاپ چهارم، قم، نشر مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، ص ۶۷.

^۹ آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۵.

^{۱۰} ساکی، محمدرضا، حقوق کیفری اقتصادی، ۱۳۹۰.

^{۱۱} ولیدی، محمد صالح، حقوق کیفری اقتصادی، ۱۳۸۶.

البته این تعریف حقوق کیفری اقتصادی است و نمی‌توان تعریف صریحی از جرم اقتصادی به دست آورد، مگر آنکه قسمت دوم تعریف یعنی «فعالیت‌های اقتصادی متقلبانه.....» را جرم اقتصادی دانست.

در تعریف دیگری آمده که جرم اقتصادی، به هرگونه فعل یا ترک فعل اطلاق می‌گردد که به قصد ضربه زدن به ارزش‌های اقتصادی، موجب اخلال در نظام اقتصادی کشور گردد.^{۱۲}

تعریف دیگر اینکه؛ جرم اقتصادی اعمال غیرقانونی ارتکاب یافته در قلمرو فعالیت‌های حرفه‌ای به‌منظور اشکال مختلف تقلب و اختلاس در شرکت‌ها و مؤسسات قانونی است.^{۱۳}

تعریف جرائم اقتصادی

بند اول: تعدد تعاریف

مفهوم جرم اقتصادی حداقل از یک سده و اندی پیش مورد بحث بوده است و ابتدایی‌ترین مشکل در خصوص جرائم اقتصادی تعریف آن است. در مورد این جرائم هیچ‌گونه تعریفی که به‌طور مشخص از اجماع یا حداقل اجماع برخوردار باشد، نتیجتاً تعریفی که مورد قبول همگان قرار گیرد وجود ندارد. علت اصلی فقدان تعریف مشخص از بزه اقتصادی، در وهله اول را باید مبهم بودن واژه اقتصاد دانست، در واقع خود اقتصاد واژه‌ای عام و کلی است و مشخص نیست که تعریف دقیق آن چیست و قلمرو آن کدام است.^{۱۴}

دلیل دیگر آن بین‌رشته‌ای بودن جرم اقتصادی است، به عبارتی این مفهوم هم اندیشمندان حقوقی هم اقتصادی و هم جرم‌شناسی را درگیر بحث نموده است. از طرفی دیگر در هر دوره بنا بر مقتضیات، مفهوم خاصی از آن برداشت شده است به‌عنوان نمونه سیاست و نظام اقتصادی همواره تأثیر به‌سزایی در جرم‌انگاری و مفهوم جرم اقتصادی داشته است، به این صورت که مفهوم جرم اقتصادی و مصادیق آن در دولت‌هایی که اقتصاد آن‌ها بر پایه اقتصاد آزاد و سرمایه‌گذاری شکل گرفته است و در کشورهایی که دارای سیستم اقتصاد دولتی یا سوسیالیستی و یا اقتصاد بسته هستند متفاوت می‌باشند.

علاوه بر نظام اقتصادی عامل مهم دیگری که در تبیین قلمرو جرائم اقتصادی و تعریف آن مؤثر است منابع اقتصادی می‌باشد، مثلاً در کشور ما قاچاق نفت و مشتقات آن جزو جرائم اقتصادی است چراکه اقتصاد کشور ما بر پایه صادرات منابع سوختی استوار می‌باشد ولی ممکن است در کشور دیگری به این صورت نباشد.

^{۱۲}. کوشا، جعفر، تقریرات درس حقوق جزای اقتصادی، ۸۰-۱۳۷۹

^{۱۳}. مهدوی پور، اعظم، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، ۱۳۹۰

^{۱۴}. - مهدوی پور، اعظم، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، ۱۳۹۰

با توجه به این مطالب جرائم اقتصادی بر اساس معیارها و دیدگاه‌های متفاوتی تعریف شده است، ذیلاً به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

بند دوم: تعاریف موجود

همان‌طور که گفته شد، تعریف واحد و قابل قبولی برای جرائم اقتصادی ارائه نشده است، اما بررسی تعاریف موجود هرچند به صورت مختصر می‌تواند به درک مفهوم این جرم کمک نماید.

بر مبنای تعریفی رادیکال از جرم، جرائم اقتصادی مربوط به جرم‌های صاحبان قدرت شامل نقض قانون شرکت‌ها، تخریب محیط‌زیست، تدابیر ناکافی بهداشت و ایمنی در صنعت، آلودگی، نقض قانون کار، کلاهبرداری (تقلب) است و البته جرم‌های اقتصادی فاقدان قدرت، شامل کلاهبرداری‌های سطح پایین است و نقض مقررات بهزیستی است.^{۱۵}

مارک آنسل جرائم اقتصادی را شامل تقلبات مالیاتی، تقلبات قضایی، جرائم ارتكابی در مورد تأسیس شرکت‌های تجاری، اداری یا تصفیه شرکت‌ها و... می‌داند.^{۱۶} درجایی دیگر آن دسته از جرائم که علیه اقتصاد کشور ارتکاب می‌یابند یا به این قصد انجام می‌شوند یا در عمل موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌شوند، جرائم اقتصادی محسوب شده است.

هم‌چنین گفته شده است که جرم اقتصادی جرمی نیست که ویژگی اقتصادی داشته باشد بلکه جرمی است که آثار و تبعات سوء اقتصادی داشته باشد.^{۱۷}

یکی از حقوق‌دانان نیز این تعریف را ارائه نموده است: حقوق کیفری اقتصادی شاخه‌ای از حقوق جزای اقتصادی است درباره ماهیت و طبع قضایی و عناصر اختصاصی فعالیت‌های اقتصادی متقلبانه و غیرمجاز اشخاص حقیقی و حقوقی مصرح در قانون که به قصد ثروت‌اندوزی و صدمه زدن به منافع عمومی و اختلال در نظام اقتصادی کشور صورت می‌گیرد.^{۱۸}

البته این تعریف حقوق کیفری اقتصادی است و نمی‌توان تعریف صریحی از جرم اقتصادی به دست آورد، مگر آنکه قسمت دوم تعریف یعنی «فعالیت‌های اقتصادی متقلبانه...» را جرم اقتصادی دانست.

۱۵. برای توضیح بیشتر، ر.ک: راب وایت و فیونا هینز، جرم‌شناسی، بهار ۱۳۹۰، برگردان علی سلیمی، چاپ چهارم، قم، نشر مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، ص ۶۷.

۱۶. آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۵.

۱۷. ساکی، محمدرضا، حقوق کیفری اقتصادی، ۱۳۹۰.

۱۸. ولیدی، محمد صالح، حقوق کیفری اقتصادی، ۱۳۸۶.

در تعریف دیگری آمده که جرم اقتصادی، به هرگونه فعل یا ترک فعل اطلاق می‌گردد که به قصد ضربه زدن به ارزش‌های اقتصادی، موجب اخلال در نظام اقتصادی کشور گردد.^{۱۹}

تعریف دیگر اینکه؛ جرم اقتصادی اعمال غیرقانونی ارتکاب یافته در قلمرو فعالیت‌های حرفه‌ای به منظور اشکال مختلف تقلب و اختلاس در شرکت‌ها و مؤسسات قانونی است.^{۲۰}

تعریف جرائم اقتصادی

بند اول: تعدد تعاریف

مفهوم جرم اقتصادی حداقل از یک سده و اندی پیش مورد بحث بوده است و ابتدایی‌ترین مشکل در خصوص جرائم اقتصادی تعریف آن است. در مورد این جرائم هیچ‌گونه تعریفی که به‌طور مشخص از اجماع یا حداقل اجماع برخوردار باشد، نتیجتاً تعریفی که مورد قبول همگان قرار گیرد وجود ندارد. علت اصلی فقدان تعریف مشخص از بزه اقتصادی، در وهله اول را باید مبهم بودن واژه اقتصاد دانست، در واقع خود اقتصاد واژه‌ای عام و کلی است و مشخص نیست که تعریف دقیق آن چیست و قلمرو آن کدام است.^{۲۱}

دلیل دیگر آن بین‌رشته‌ای بودن جرم اقتصادی است، به عبارتی این مفهوم هم اندیشمندان حقوقی هم اقتصادی و هم جرم‌شناسی را درگیر بحث نموده است. از طرفی دیگر در هر دوره بنا بر مقتضیات، مفهوم خاصی از آن برداشت شده است به‌عنوان نمونه سیاست و نظام اقتصادی همواره تأثیر به‌سزایی در جرم‌انگاری و مفهوم جرم اقتصادی داشته است، به این صورت که مفهوم جرم اقتصادی و مصادیق آن در دولت‌هایی که اقتصاد آن‌ها بر پایه اقتصاد آزاد و سرمایه‌گذاری شکل گرفته است و در کشورهایی که دارای سیستم اقتصاد دولتی یا سوسیالیستی و یا اقتصاد بسته هستند متفاوت می‌باشند.

علاوه بر نظام اقتصادی عامل مهم دیگری که در تبیین قلمرو جرائم اقتصادی و تعریف آن مؤثر است منابع اقتصادی می‌باشد، مثلاً در کشور ما قاچاق نفت و مشتقات آن جزو جرائم اقتصادی است چراکه اقتصاد کشور ما بر پایه صادرات منابع سوختی استوار می‌باشد ولی ممکن است در کشور دیگری به این صورت نباشد.

با توجه به این مطالب جرائم اقتصادی بر اساس معیارها و دیدگاه‌های متفاوتی تعریف شده است، ذیلاً به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

بند دوم: تعاریف موجود

^{۱۹}. کوشا، جعفر، تقریرات درس حقوق جزای اقتصادی، ۸۰-۱۳۷۹

^{۲۰}. مهدوی پور، اعظم، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، ۱۳۹۰

^{۲۱}. - مهدوی پور، اعظم، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، ۱۳۹۰

همان‌طور که گفته شد، تعریف واحد و قابل قبولی برای جرائم اقتصادی ارائه نشده است، اما بررسی تعاریف موجود هرچند به صورت مختصر می‌تواند به درک مفهوم این جرم کمک نماید.

بر مبنای تعریفی رادیکال از جرم، جرائم اقتصادی مربوط به جرم‌های صاحبان قدرت شامل نقض قانون شرکت‌ها، تخریب محیط‌زیست، تدابیر ناکافی بهداشت و ایمنی در صنعت، آلودگی، نقض قانون کار، کلاه‌برداری (تقلب) است و البته جرم‌های اقتصادی فاقدان قدرت، شامل کلاه‌برداری‌های سطح پایین است و نقض مقررات بهزیستی است.^{۲۲}

مارک آنسل جرائم اقتصادی را شامل تقلبات مالیاتی، تقلبات قضایی، جرائم ارتكابی در مورد تأسیس شرکت‌های تجاری، اداری یا تصفیه شرکت‌ها و... می‌داند.^{۲۳} درجایی دیگر آن دسته از جرائم که علیه اقتصاد کشور ارتکاب می‌یابند یا به این قصد انجام می‌شوند یا در عمل موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌شوند، جرائم اقتصادی محسوب شده است.

هم‌چنین گفته شده است که جرم اقتصادی جرمی نیست که ویژگی اقتصادی داشته باشد بلکه جرمی است که آثار و تبعات سوء اقتصادی داشته باشد.^{۲۴}

یکی از حقوق‌دانان نیز این تعریف را ارائه نموده است: حقوق کیفری اقتصادی شاخه‌ای از حقوق جزای اقتصادی است درباره ماهیت و طبع قضایی و عناصر اختصاصی فعالیت‌های اقتصادی متقلبان و غیرمجاز اشخاص حقیقی و حقوقی مصرح در قانون که به قصد ثروت‌اندوزی و صدمه زدن به منافع عمومی و اختلال در نظام اقتصادی کشور صورت می‌گیرد.^{۲۵}

البته این تعریف حقوق کیفری اقتصادی است و نمی‌توان تعریف صریحی از جرم اقتصادی به دست آورد، مگر آنکه قسمت دوم تعریف یعنی «فعالیت‌های اقتصادی متقلبانه...» را جرم اقتصادی دانست.

در تعریف دیگری آمده که جرم اقتصادی، به هرگونه فعل یا ترک فعل اطلاق می‌گردد که به قصد ضربه زدن به ارزش‌های اقتصادی، موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور گردد.^{۲۶}

^{۲۲} برای توضیح بیشتر، ر.ک: راب وایت و فیونا هینز، جرم‌شناسی، بهار ۱۳۹۰، برگردان علی سلیمی، چاپ چهارم، قم، نشر مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، ص ۶۷.

^{۲۳} آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۵

^{۲۴} ساکی، محمدرضا، حقوق کیفری اقتصادی، ۱۳۹۰

^{۲۵} ولیدی، محمد صالح، حقوق کیفری اقتصادی، ۱۳۸۶

^{۲۶} کوشا، جعفر، تقریرات درس حقوق جزای اقتصادی، ۸۰-۱۳۷۹

تعریف دیگر اینکه؛ جرم اقتصادی اعمال غیرقانونی ارتکاب یافته در قلمرو فعالیت‌های حرفه‌ای به‌منظور اشکال مختلف تقلب و اختلاس در شرکت‌ها و مؤسسات قانونی است.^{۲۷}

گفتار دوم

سیاست جنایی پیشگیری

ست جنایی پیشگیری، شاخه‌ای از سیاست جنایی است که موضوع آن تعیین و پیشنهاد اقدام‌های غیر کیفری به‌منظور پیشگیری از بزهکاری در جامعه یا یک جمعیت محدود است.^{۲۸}

سیاست‌ها، رهنمون‌ها و قواعدی هستند که محدوده انجام دادن کاری را معین می‌کنند. این قواعد غالباً به شکل تصمیم‌هایی اقتضایی برای حل تعارضات موجود میان هدف‌های خاص درمی‌آیند؛ مثلاً در جنگ‌ها، سلاح هسته‌ای به کار نگیرید، مگر آن که اول شهرهای کشور شما مورد حمله هسته‌ای قرار بگیرند. سیاست‌ها، همانند هدف‌ها، در درون سازمان از یک سلسله‌مراتب برخوردارند. بالاترین سطح آن سیاست‌های راهبردی است. سیاست‌های اساسی را - یعنی آن‌هایی که مسیر حرکت و موقعیت کلی سازمان را هدایت می‌کنند یا در ماندگاری آن نقش دارند - سیاست‌های راهبردی می‌نامند.^{۲۹}

بر اساس علم مدیریت، سیاست‌گذاری، تعریف چشم‌انداز، راهبردها و اهداف، قبل از هرگونه عملی ضروری است. حوزه پیشگیری از جرم نیز از این اصل مستثنا نیست، بلکه اهمیت کار پیشگیری از جرم به‌ویژه در عصر کنونی و در آستانه ورود به فضای خطرناک آینده - که در آن آمار و تنوع جرائم سبب نگرانی عام و خاص در سطوح مختلف شده - دوچندان می‌شود.^{۳۰} علاوه بر آن در بیان ضرورت سیاست‌گذاری پیرامون پیشگیری از جرم همین بس که بر اساس بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸ خبرگان قانون اساسی در آن تاریخ، به بحث پیشگیری از جرم توجه شده و بسترهای سیاست‌گذاری و فراقینینی آن را فراهم کرده‌اند.^{۳۱}

پیشگیری از جرم یکی از سیاست‌ها و اقدامات اساسی در حوزه کنترل و نظارت اجتماعی محسوب می‌شود. سیاست‌های پیشگیری می‌تواند از دیدگاه‌های مختلف و به‌صورت گوناگون در نظر گرفته شود که اینک به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

بند اول : سیاست‌های پیشگیری از دیدگاه‌های گوناگون

^{۲۷} مهدوی پور، اعظم، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، ۱۳۹۰

^{۲۸} زرگری، ۱۳۹۰

^{۲۹} کوین، مینس برگ، رابرت ۱۳۷۶: ۶

^{۳۰} کی نیا، ۱۳۸۸

^{۳۱} قانون اساسی، ۱۳۹۱

۱. سیاست پیشینی یا کنشی و سیاست پسینی یا واکنشی و منفعلانه: سیاست پیشینی عبارت است از کلیه اقدامات و راهکاری مستقیم و غیرمستقیم که از وقوع جرم پیشگیری می‌کند. در پرتو سیاست کنشی از تدابیر غیر قهرآمیز به‌منظور تأثیرگذاری بر عوامل جرم‌زا و دور شدن از ورطه بزهکاری استفاده می‌شود.

سیاست پسینی شامل انواع مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی است و در سیاست واکنشی برای تحمیل ضمانت اجرا بر ناقضان بایدها و نبایدهای کیفری، پاسخ‌هایی پیش‌بینی می‌شود. این سیاست‌های واکنشی معمولاً در دو رویکرد پیامد‌گرا و غیرپیامدگرا صورت می‌پذیرد. در نوع غیرپیامدگرا دستگاه عدالت کیفری صرفاً به دنبال کیفردهی به بزهکاران است بدون آن‌که به آینده این دسته از شهروندان پس از تحمل کیفر توجه داشته باشد؛ ولی در نوع پیامد‌گرا تبعات ناشی از کیفر دادن مجرمان گرانگه ملحوظ است.^{۳۲} معمولاً دولت‌ها به تبعیت از افکار عمومی تمایل بیشتری به اتخاذ سیاست‌های سرکوبگرانه و واکنشی دارند.^{۳۳} در یک جمع‌بندی می‌توان چنین نتیجه گرفت که سیاست‌های پیشگیری پیشینی از نوع پسینی کارآمدتر و مؤثرتر و از نظر هزینه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز به‌صرفه‌تر است.

۲. سیاست‌های غیرمتمرکز در قبال سیاست‌های تمرکزی: بر اساس نظر قوام (۱۳۹۰) تدوین و اجرای سیاست‌های غیرمتمرکز یکی از سه عامل مهم اداره امور شهر در دهه اخیر است.^{۳۴} در همین راستا دسته‌بندی دیگری که می‌توان برای سیاست‌های پیشگیری از جرم در نظر گرفت تدوین سیاست‌های غیرمتمرکز در مقابل سیاست‌های تمرکزی حکومت‌ها است؛ به این معنا که چون افراد مختلف از نظر شرایط زمانی، مکانی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی باهم متفاوت هستند؛ باید برای هرکدام از ایشان طبق نظریه مدیریت اقتضایی سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیرانه متنوع و مناسبی در نظر گرفت.

۳. سیاست‌های کوتاه‌مدت در مقابل سیاست‌های بلندمدت: در سیاست‌های بلندمدت که بر افراد و شخصیت آنان سرمایه‌گذاری می‌شود، اهداف دیرتر محقق می‌شوند، لیکن بادوام‌تر و پایدارترند. ولی در سیاست‌های کوتاه‌مدت دستیابی به هدف سریع‌تر لیکن از ناپایداری برخوردار است. معمولاً در کشورهای توسعه‌یافته که زیرساخت‌ها فراهم است بیشترین تمرکز بر سیاست‌های درازمدت است درحالی‌که در کشورهای درحال توسعه و مخصوصاً در مجامع عقب‌افتاده، تأکید بر سیاست‌های زودبازده و کوتاه‌مدت است. در مجموعه سیاست‌های پیشگیری، باید سه مرحله را در پیشگیری از جرم مورد توجه قرار داد:

الف. مرحله اول (پیش از وقوع جرم): در این مرحله باید به اصل فراگیری سلامت اجتماعی توجه و کلیه اقدامات و برنامه‌ها را بر اساس آن سازمان‌دهی کرد. برخوردار ساختن آحاد جامعه از نیازهای اساسی زندگی (امنیت اجتماعی) و استمرار آن در شرایط بحرانی، پیش‌بینی چارچوب قانونی مناسب با تدابیر و اقدامات پیشگیرانه، وضع قوانین حمایتی

^{۳۲} نیکوکار، ۱۳۹۴: ۵۹۲

^{۳۳} جوان جعفری و سیدزاده ثانی، ۱۳۹۱: ۱۳

^{۳۴} قوام، ۱۳۹۰.

برای کودکان و خانواده‌ها، توجه ویژه به نقش پیشگیرانه آموزش و پرورش و مراکز آموزش عالی، ایجاد هماهنگی بین نهاد خانه و مدرسه، از جمله اقدامات اساسی هستند که باید در مرحله پیش از وقوع جرم انجام شوند.

پیشگیری کنشی (اولیه)

پیشگیری کنشی یا غیر کیفری تدابیر و اقدامات غیر سرکوبگری را در برمی‌گیرد که پیش از ارتکاب جرم، برای مبارزه با این پدیده اعمال می‌شود. این پیشگیری با مداخله در فرایند فعلیت یافتن جرم و وضعیت پیش جنایی به دنبال کاهش نرخ بزهکاری است.^{۳۵} به دیگر سخن پیشگیری کنشی اقدامات مناسب غیر کیفری است که از طریق کاهش یا از بین بردن علل جرم‌زا و نامناسب نشان دادن موقعیت‌های ارتکاب جرم، درصدد جلوگیری از رخ دادن بزه است.^{۳۶} بنابراین ویژگی‌های پیشگیری کنشی با توجه به تعریفی که از آن ارائه شده است دارای خصیصه‌های است که عبارت‌اند از:

- اثرگذاری علیه عوامل یا فرایندهایی که در بروز بزهکاری نقش تعیین‌کننده‌ای دارند؛

- هدف قرار دادن تمامی جمعیت یا گروهی معین.

- فقدان خصیصه قهرآمیزی و سزا دهی.

به این ترتیب پیشگیری کنشی شامل پیشگیری از طریق حذف و خنثی نمودن عوامل بزه‌زا و پیشگیری از طریق حذف یا تغییر موقعیت‌های بزه‌زا است که مصادیق بارزی از آن در تدوین لایحه پیشگیری از وقوع جرم ضمن تعریف انواع پیشگیری مورد توجه قرار گرفته است.^{۳۷}

هدف اصلی سیاست جنایی مشارکتی کنشی یا اولیه، پیشگیری از ارتکاب جرم یا کاهش آن از طریق فرهنگ‌سازی در رفتارهای اجتماعی است که به آن پیشگیری اجتماعی نیز گفته می‌شود و بیانگر نقش مردم در کاهش ارتکاب جرم است.^{۳۸} بنابراین در این گونه سیاست جنایی مشارکتی قبل از آن‌که جرمی به وقوع بپیوندد دخالت مردم و نهادهای جامعه‌ی قابل مشاهده است و از ظرفیت‌های آن برای جلوگیری از ارتکاب جرم استفاده می‌شود.

بند دوم: پیشگیری واکنشی (ثانویه)

پیشگیری واکنشی یا کیفری، ناظر به اقدام کیفری قبل و پس از وقوع جرم است که با بهره جستن از سازوکارهای نظام عدالت کیفری درصدد کاهش نرخ بزهکاری است. رهیافت پیشگیری واکنشی، ارعاب انگیزی فردی، جمعی و عبرت‌آموزی می‌باشد تا از بزهکاری نخستین و نیز بزهکاری دوباره افراد جلوگیری کند. بر همین اساس این پیشگیری

^{۳۵} نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، در علوم جنایی، ۱۳۷۷

^{۳۶} صفاری، علی، مبانی نظری پیشگیری از جرم، ۱۳۸۰

^{۳۷} گسن، رمون، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا، ناشر مترجم، ۱۳۷۷

^{۳۸} شیعه علی، علی و زارع، وحید و زارع، مجتبی، ۱۳۹۴

به دو گونه عام و خاص تقسیم می‌شود. امروزه بسیاری از سیستم‌های عدالت کیفری، فعالیت‌های خود را بر مشارکت جامعه مبتنی ساخته‌اند. تجربه نشان داده است که حضور و مداخله نهادهای مشارکتی، نخستین گام در راستای مبارزه با بزه و بزهکاری بوده و مشارکت جامعه‌ی به‌مثابه پذیرش دموکراسی در عمل است. تحرک، ضابطه‌مند کردن و تجهیز جامعه برای پیشگیری مؤثر از وقوع جرم و به‌کارگیری نیروهای داوطلب اجتماعی جهت اطلاع و درمان بزهکاران نیازمند و افزون بر آن، توسعه سیستم‌های کنترل غیررسمی، بیانگر این واقعیت است که حسن اطمینان و اعتماد جامعه نسبت به سیستم عدالت به سیستم عدالت کیفری باید با پذیرش نقش مشارکتی اجتماعی درکنش و فعالیت‌های هر یک از نهادهای مزبور توسعه یابد. کیفری باید با پذیرش نقش مشارکتی اجتماعی درکنش و فعالیت‌های هر یک از نهادهای مزبور توسعه یابد.^{۳۹}

بنابراین هدف سیاست جنایی مشارکتی واکنشی یا ثانویه، دخالت دادن مردم و نهادهای غیردولتی در فرآیند کیفری، پس از وقوع جرم است. در این رویکرد، دیگر نهاد عدالت کیفری، تنها مرجع پاسخگویی و حل اختلاف نیست، بلکه از ظرفیت نهادهای مردمی و جامعه‌ی نیز در این راستا استمداد می‌شود.^{۴۰}

گفتار سوم: مشارکت مردم در سیاست جنایی مشارکتی

مشارکت مردم به گونه‌های مختلف در اداره امور از اهمیتی والا برخوردار است و در این زمینه می‌توان از دو روش تبیین علمی موضوع و مراجعه به مستندات موجود بهره گرفت. در همین راستا لازم به ذکر است موضوع موردنظر، کلید موفقیت هر اقدامی است که به‌منظور نیل به امنیت اجتماعی و تسهیل توسعه پایدار اجتماعی صورت می‌گیرد.

اگر مشارکت موردتوجه قرار گیرد همگی می‌توانند برای استحکام و استوار ساختن اصول و راه‌های اصلاحی بکار روند. در نتیجه از جرائم و حوادث خشونت‌بار که به‌طورقطع نتایج نامطلوبی را هم به دنبال دارند پیشگیری می‌شود.

بر این اساس می‌توان بر موانع موجود بر سر راه توسعه و ایجاد امنیت غلبه کرد و این کار را با دادن فرصت کامل به مردم برای مشارکت در تمام فعالیت‌های مربوط به پیشگیری و پاسخگویی به پدیده مجرمانه ساماندهی نمود. همچنین مشارکت امری موجه است؛ چون نه تنها اراده اکثریت را بیان می‌کند بلکه تنها راه صلح‌آمیز برای نیل به اهداف مهم اخلاقی، انسانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است.

^{۳۹} - جمشیدی، علیرضا، «پیشگیری از جرایم اقتصادی، از اقدام‌های قضایی تا اقدام‌های اجرایی»، ۱۳۸۸

^{۴۰} جمشیدی، علیرضا، «پیشگیری از جرایم اقتصادی، از اقدام‌های قضایی تا اقدام‌های اجرایی»، ۱۳۸۸

در ضمن می‌توان «متغیرهای واکنش متقابل گفت‌و شنودی»، «تحقیقات عمل مشارکتی» و دیگر فعالیت‌های مشابه، که به مردم امکان سازمان‌دهی در جهت تأمین مقاصد خود را می‌دهد؛ توسعه بخشید. البته زمانی که مفهوم مشارکت مردمی به‌عنوان کلیدی در ایجاد امنیت اجتماعی و همچنین توسعه‌ی بدیل و انسان‌محور مطرح می‌شود.^{۲۱}

با این‌همه به نظر می‌رسد که باید مشارکت را فقط به حضور فیزیکی محدود نکرد و مراد از مشارکت احساس مسئولیت افراد در برابر یکدیگر و همچنین در برابر کل جامعه می‌باشد.

۱- افزایش امنیت و کاهش پدیده‌های مجرمانه

در حکومت‌های سالم، شرکت و مداخله سازنده مردم در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی نشانه اعتماد آنان به حاکمیت و موجب تقویت توان اجرایی در زمینه‌های مختلف و از جمله تأمین امنیت عمومی است. از این‌رو با ایجاد و تعبیه بسترهای مناسب جهت مشارکت مردمی احتمال رخداد تنش و اغتشاشات در اثر اصطکاک برخورد منافع گروهی کاهش یافته و بر میزان وفاق و همبستگی ملی افزوده می‌شود.

مشارکت و تبادل آراء و افکار میان مردم یک جامعه با فرهنگ‌های متفاوت ضمن آشنا ساختن اقشار مختلف با یکدیگر، از شکل‌گیری و تولد احساس پوچی و بی‌تفاوتی در برابر آنچه در محیط جامعه می‌گذرد، جلوگیری نموده و توی وفاق و همبستگی را سبب می‌شود.

۲- تسهیل روند توسعه

برای نیل به الگوی توسعه مطلوب با استفاده صحیح از منابع و فرصت‌ها و توزیع عادلانه آن‌ها، مشارکت مردم باید به‌عنوان عامل اصلی و محوری در نظر گرفته شود؛ عاملی که تلفیق و ترکیب عناصر اصلی را در جریان توسعه و به فعلیت درآوردن آن‌ها عهده‌دار است.

الف) دیدگاه‌های بزه دیده شناختی

قرن بیستم شاهد ظهور رویکردها و اندیشه‌های نوینی در عرصه بزه‌دیده‌شناسی بوده است. با ظهور جنبش حمایت از حقوق بزه‌دیدگان، به‌طور مثال جنبش‌های فمینیستی و جنبش‌های حامیان حقوق بزه‌دیدگان جرائم خشونت‌بار، به‌ویژه جرائم جنسی و ضرب و شتم و ایجاد یک فضای احساس همدردی و دلسوزی به این بزه‌دیدگان، به‌ویژه بزهکارانه جنگ جهانی دوم، زمینه‌ساز ظهور بزه‌دیده‌شناسی ثانویه یا حمایتی گردید.

^{۲۱} جمعه پور، محمود، عوامل اصلی در فرآیند توسعه پایدار، ۱۳۸۲.

بزه دیده شناسی حمایتی برای پیشبرد اهداف خویش ناگزیر از استفاده از ابزارهایی بوده است، اصلاح رویکرد سنتی دستگاه عدالت کیفری نسبت به بزه داده و شناسایی جایگاهی مستحکم و تعیین کننده برای بزه دیده در فرآیند کیفری از جمله اهدافی بوده است که بزه دیده شناسی معاصر آن را پیگیری نموده است.

از مظاهر بارز جنبش بزه دیده محور، در رابطه با دستگاه عدالت کیفری، شناسایی جایگاه واقعی برای بزه دیده در فرآیند دادرسی کیفری و توجه به نیازها و دل مشغولی های وی بوده است. شناسایی حقوق بزه دیده و توجه به نیازهای وی سازوکارهایی نظیر برنامه ها و طرح های میانجیگری را تشویق و ترویج نموده است، در طرح های میانجیگری بزهکارانه موقعیتی میابد که رودررو با بزهکار از اثرات واقعه جرم بر خود و خانواده و زندگی اش صحبت نماید و به پاسخ سوا لاتی برسد که در دستگاه عدالت کیفری معمول هیچ گاه امکان طرح آن نیست. در برنامه های میانجیگری بزهکارانه جایگاه و موقعیت و نقش کلیدی خود را بازمی نماید. علاوه بر این لطمات مادی و معنوی التیام می یابد.

بنابراین، اندیشه عدالت کیفری واقعه ای در خلال فرآیند میانجیگری کیفری در سایه حمایت ها و حساسیت های ویژه نسبت به بزهکارانه ممکن می گردد. توجه به بزهکارانه (شخصیتی حقیقی یا حقوقی که در نتیجه جرم یا شبه جرم متحمل لطمات و صدمات فیزیکی، روحی و روانی و اقتصادی گردیده و یا از حقوق قانونی خود محروم می شود)، نقطه اتکای مشترک تمامی مدل های میانجیگری کیفری است چراکه جرم در این دیدگاه تنها یک نقض قانون ساده نیست، بلکه به هم ریختن آرامش و آسایش و رفاه قربانی است.^{۴۲}

بنابراین فردی که مورد تعقیب کیفری وارد می شود، نه به خاطر این است که به او امر و نواحی قانون جزا بی اعتنایی نموده است، بلکه به این دلیل است که فرد یا افرادی در عالم واقع به قتل می رسند، مورد تجاوز، هتک حرمت، خسارت های مادی و معنوی ناعادلانه قرار می گیرند، پس چرخش دیدگاه ها از طرز تلقی جرم به عنوان تعرض علیه حکومت و قدرت عمومی، به تعرض علیه شهروندان و افراد (به عنوان بازندگان اصلی فرآیند جنایی)، منجر به توجه و گرایش به برنامه های بزه دیده مداری همچون میانجیگری کیفری شده است. این بزهکارانه تنها شامل «بزهکارانه اولیه» نمی شود، بلکه «بزهکارانه تبعی» نظیر خانواده بزه دیده و خانواده بزهکار شهود و حاضرین در صحنه جرم که به طور غیرمستقیم، از جرم متأثر می شوند، همچنین «بزه دیدگان جانشین»^{۴۳} نیز بزه دیده و قربانی تلقی می شوند؛ که این ها نیز در برنامه های میانجیگری کیفری و مدل های گوناگون آن مورد توجه واقع شود و حضور آن ها در برنامه های میانجیگری

^{۴۲} عباسی، مصطفی، افق های نوین عدالت ترمیمی در میانجیگری کیفری، ۱۳۸۲، ص ۱۴۲

^{۴۳} بزه دیدگان جانشین افرادی هستند که جانشین بزه دیده اصلی قرار می گیرند اولیای فرد کشته شده و یا افرادی که موضوع دعوی را به مالکیت خود در می آورند (مانند مستقل علیه و وارث بزه دیده) جانشین محسوب می شوند. البته برخی از این افراد می توانند از جهتی نیز بزه دیده مستقیم باشند. جانشینی می تواند قهری یا قراردادی باشد.

و مواجه آن‌ها با بزهکار در مدل‌های مختلف میانجیگری کیفری و مدل‌های عملی دیگر عدالت ترمیمی و مشاهده اظهار پشیمانی و عذرخواهی آن‌ها می‌توانند از رنج‌ها و لطامات ناشی از جرم بکاهد یا حداقل آن‌ها را قابل تحمل‌تر نماید^{۴۴}.

ب) نظام عدالت بازپرورانه

مجازات سنگین و غیرانسانی که بر بزهکاران روا داشته می‌شد، اندیشمندان و مصلحان جامعه را به حمایت از بزهکاران و توجه دادن نظام عدالت به نیازها، شخصیت و حقوق آنان سوق داد. از این رهگذر، هدف حقوق کیفری از ایجاد رابطه تعادل و تناسب میان خطای اخلاقی (جرم) و مجازات، به بازپروری مجرمین و احیای دوباره آنان برای ورود به عرصه حیات اجتماعی تغییر جهت پیدا کرد بنابراین مدت‌های طولانی نه تنها عدالت کیفری بر بزهکار متمرکز بود، بلکه چنین برخوردی نیز از آن انتظار می‌رفت.

بدین گونه نظام عدالت کیفری از سزا دهی به بازپروری تغییر زاویه داد. هدف نظام بازپروری، کمک به بزهکار و باز سازگار کردن وی با جامعه است. در نظام باز پرورانه، تأکید بر روی کمک و نظارت بر بزهکار است و نه مجازات وی، هدف از بازپروری کاهش گرایش مجرمانه بزهکار از طریق روش‌های فنی و علمی به منظور کاهش ارتکاب جرم است، هدف اولیه بازپروری پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم است.^{۴۵}

در این نظام بزه دیده در حاشیه اقدامات کیفری قرار داشته و اگر هم نقشی به وی داده شود تنها به دلیل مساعدت در بازپروری بزهکار است. بنابراین ته به نیازها و حقوق بزه دیده توجه می‌شود و نه پیامدهای بزهکارانه در سیر رسیدگی به پدیده مجرمانه مدنظر قرار می‌گیرد.

بعدها الگوی بازپرورانه نیز مورد انتقاد قرار گرفت، زیرا اعمال اجباری اقدامات باز پروران مؤثر نبوده و پیش‌بینی اینکه کسی در آینده مرتکب جرم نخواهد شد؛ دشوار است.^{۴۶}

مشکل دیگر نظام بازپروری نادیده گرفتن حقوق قانونی و تصور در پاسخگویی به نگرانی‌های افراد در مورد امنیت جامعه در مقابل بزهکاران است. از این رو تمرکز اصلی این نظام بر مقوله جرم و مجازات است فارغ از عناصر دیگری همچون بزهکار و بزهکارانه می‌باشد.

ج) نظریه عدالت و انصاف

عدالت، در سیستم عدالت کیفری مرسوم کیفر گرا، چیزی فراتر از اعمال مجازات علیه بزهکار و شعار چشم در مقابل چشم نیست. فردی که جرم را مرتکب می‌شود با این عمل به هیئت اجتماع بدهکار می‌شود و با مجازات و مکافات

^{۴۴} عباسی، مصطفی، افق‌های نوین عدالت ترمیمی در میانجی‌گری کیفری، ۱۳۸۲، ص ۱۴۲

^{۴۵} فرکم، انگ وان، نقش بزه دیده در عدالت ترمیمی (مجموعه مقالات در مورد عدالت ترمیمی مقاله چهارم) ۱۳۸۴.

^{۴۶} همان: ۷۸.

بزهکار، این بدهکاری و دین وی به جامعه پرداخت می‌شود و در این هنگام عدالت به اجرا درآمده‌است، اما مطمئناً عدالت برای بزه دیده و بزهکار به اجرا در نمی‌آید.^{۴۷}

به دلیل اینکه نظام عدالت کیفری، چنین طرز تلقی را از عدالت تبلیغ می‌کند، بزه دیدگان جرم اغلب خشن‌ترین مجازات ممکن را برای بزه‌کارانشان تقاضا می‌کنند، تقاضایی که حتی تضمینی در توجه به آن و مجازات بزهکار هم وجود ندارد. جامعه به آن‌ها تلقین می‌کند که مجازات، عدالت و انصاف را محقق می‌کند، اما نظام عدالت کیفری بعد از کیفر بزهکار، علاوه بر اینکه توان و فرصت تصحیح خطاها و جبران آن‌ها را از بزهکار سلب می‌گشاده بزه دیده را نیز بعد از اجرای حکم، با دستان خالی رها کرده و هیچ‌گاه با اساسی‌ترین نیازهای بزهکارانه پاسخی کامل و قانع‌کننده نمی‌دهد و این به معنی بی‌عدالتی و نقض انتظارات فطری افراد از انصاف و عدالت است.^{۴۸}

نتیجه‌گیری

در سیر تحولات حقوق جزا در دنیای غرب پس از سپری شدن دوران اولیه انتقام خصوصی و سپس دادگستری خصوصی و با پدیدار شدن دوره دادگستری عمومی با تحولات، اصلاحات و تعدیلات بعدی آن دولت با قدرت عمومی به‌عنوان نماینده جامعه و وظیفه و مسئولیت واکنش نسبت به جرم و ایفای نقش در کلیه مراحل آن را به عهده گرفت. در این رهگذر مراجع اجتماعی کنار گذاشته شدند و نقش آن‌ها به‌مرور کاهش یافت تا جایی که باگذشت زمان و دخالت روزافزون دولت‌ها در زندگی اجتماعی و اقتصادی انسان‌ها به حداقل ممکن رسید و دولت‌ها با تکیه بر دستگاه عدالت کیفری خود و ابزارهای زرادخانه آن به یکه‌تاز این میدان تبدیل شدند. اما دیری نپایید که تداوم این وضعیت مسائل و مشکلات بغرنجی از قبیل افزایش لجام‌گسیخته قوانین کیفری، تورم جرائم، افزایش روزافزون هزینه‌های عدالت کیفری، کمبود بودجه، افزایش بزهکاری و بی‌اعتمادی و نارضایتی جامعه نسبت به عملکرد نظام عدالت کیفری پدید آورد که مجموعه منجر به بحران ناکارآمدی این نظام شد و موجب گردید تا اندیشه مشارکت جامعه مدنی در زمینه واکنش به پدیده مجرمانه در تمام مراحل فرآیند کیفری به‌عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین راهکار و چاره خروج از این بحران و بن‌بست ناشی از آن در کشورهای غربی مطرح شود و کم‌کم با پذیرش و اجرای این راهبرد کلیدی، ابعاد و جلوه‌های مختلفی از آن در این کشورها به منصفه ظهور و اجرا برسد.

بدون تردید این نوع مشارکت مردم یا جامعه مدنی بیشترین نقش و تأثیر را در ظهور و تکامل سیاست جنایی مشارکتی ایفا کرده است و با تحول و پیشرفت خود، موجبات پویایی این جلوه نسبتاً جدید سیاست جنایی را فراهم آورده است. تا جایی که می‌توان گفت که امروزه بیشترین، مهم‌ترین و جالب‌ترین مباحث سیاست جنایی مشارکتی به این موضوع

^{۴۷} حسینی، سید محمد، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳

^{۴۸} عباسی، مصطفی، افق‌های نوین عدالت ترمیمی در میانجی‌گری کیفری، ۱۳۸۲، ص ۱۴۲

برمی‌گردد و از تنوع و تکثر بالایی برخوردار است. این امر باعث فزونی و فراوانی راهکارهای مشارکت مردم در مراحل مختلف فرآیند کیفری در تجربه کشورهای غربی شده است و بررسی آن‌ها از تحول، تکامل و پویایی این پدیده حکایت می‌کند و می‌تواند افق روشنی را برای دست‌اندرکاران سیاست جنایی سایر کشورها بگشاید تا با استفاده از این راهکارهای تجربه‌شده در جهت تدوین و اجرای سیاست جنایی مشارکتی مطلوب گام بردارند.



منابع و مأخذ

۱. شیعیه علی، علی، وحید زارع و مجتبی زارع، ۱۳۹۴، جایگاه سیاست جنایی مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران.
۲. جمشیدی، علیرضا، گفتمان پیشگیرانه سیاست جنایی مشارکتی در لوایح قضایی، ویزنامه شماره ۱، مجله تحقیقات حقوقی، ص ۲۳۲.
۳. ساکی، محمد رضا، ۱۳۹۰، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ دوم، تهران، نشر جنگل، جاودانه، مقدمه کتاب. سماواتی پیروز، امیر، ۱۳۸۵، عدالت ترمیمی تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن، اول، تهران، نشر نگاه بینه.
۴. ولیدی، محمد صالح، ۱۳۸۶، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ اول، تهران، نشر بنیاد حقوقی میزان، ص ۳۸.
۵. جعفر کوشا، محمدرضا دهقانی سانجی، ۱۳۹۶، سیاست جنایی در جرائم اقتصادی، ص ۸۵ تا ۱۰۱.
۶. مهدوی پور، زمستان ۱۳۹۰، اعظم، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ص ۳۴.
۷. کوپین، جیمز براین، هنری و جیمز، رابرت ام، ۱۳۸۲، مدیریت استراتژیک فرآیند استراتژی، ترجمه محمد صائبی، چاپ سوم، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۸. زرگری، سید مهدی، ۱۳۹۰، پیشگیری از بزهکاری، تهران، نگاه بینه.
۹. کی نیا، مهدی، بهار ۱۳۸۸، مبانی جرم شناسی، جلد دوم، چاپ ششم، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۹۷.
۱۰. قوام، میرعظیم، ۱۳۹۰، نقش پلیس در حمایت از بزه دیده و کاهش آسیب‌های ناشی از آن، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری نیروی انتظامی ایران
۱۱. نیکوکار، حمیدرضا، ۱۳۹۴، دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد، تهران، میزان
۱۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۷۷، پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، مجله تحقیقات حقوقی
۱۳. گسن، ریموند، ۱۳۸۸، جرم شناسی نظری، ترجمه مهدی کی نیا، اسفند چاپ چهارم، نشر مجمع علمی و فرهنگی، ص ۱۷۳.
۱۴. صفایی، سید حسین و سید مرتضی، قاسم زاده، ۱۳۹۱، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، ویراست چهارم، چاپ هفدهم، انتشارات سمت

۱۵. جمشیدی، علیرضا، گفتمان پیشگیرانه سیاست جنایی مشارکتی در لوایح قضایی، ویژه نامه شماره ۱، مجله تحقیقات حقوقی، ص ۲۳۲.

۱۶. جمعه پور، محمود، ۱۳۸۲، عوامل اصلی در فرآیند توسعه پایدار، (مردم، منابع، قضاها و نقش مشترک مردمی در آن)، فصلنامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی، شماره ۲۲، دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۷. فرکم، انگ وان، ۱۳۸۴، نقش بزه دیده در عدالت ترمیمی (مجموعه مقالات در مورد عدالت ترمیمی مقاله چهارم)، ترجمه: امیر سماواتی پیروز، چاپ اول، تهران، نشر خلیلیان.

پایان نامه ها

۱. اعظمی مقدم، مجید، ۱۳۹۰، مطالعه تطبیقی الزامات رسیدگی به جرائم اقتصادی در سایر کشورها؛ راهکار مناسب برای پلیس ایران پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم انتظامی امین.

۲. بیگی، جمال و عبدی، رضا، ۱۳۹۰، شوراهاى حل اختلاف، جلوه ای ناقص از عدالت ترمیمی همایش منطقه ای آسیب شناسی شورای حل اختلاف، مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مراغه.

منبع انگلیسی

Ancel- Marc(1998); Social Defence, A Modern Approach to Criminal Problems,

Translated by J. Wilson, London, Routledge.

Brownlee-Ian(1998); Community Punishment A Critical Introduction, First

Publish , London, Longman

Circles, (2003) <http://www.restorative justice .org/rj3/Introduction Defintion />

Circles.htm

Compbell-Black Henry,(1989); Black Law Dictionary, Sixth Edition. USA, West